«فصل سوم»

نکات ادبی، دستوری، معنی و مفهوم

درس ششم: «آزادگی»

نورالدین عبدالرحمن جامی: شاعر و نویسنده معروف قرن ۹ هجری است وی به جهت محل تولدش «جام» و به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، جامی تخلص کرد. دیوان اشعار، هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسه نظامی) نفحات الانس و بهارستان از اوست.

قالب شعر: **مثنوی**

«آزادگی»

خارکش پیری بادلق ـ درشت پشته‌ای خار همی برد به پشت

معنی: پیرمرد خارکشی که لباس پشمی کهنه ای پوشیده بود،توده ای خار را روی پشتش حمل می کرد.

آرایه ادبی: خارکش،خار:مراعات نظیر،/ تکرار «ش» ، وا ج آرایی

نکته دستوری: خارکش پیر: ترکیب وصفی مقلوب =پیر خارکشی)/ همی برد : ماضی ساده

لنگ لنگان قدمی برمی داشت هر قدم دانه شکری می کاشت

معنی: آهسته آهسته راه می رفت و هر قدمی که بر می داشت،خدا را شکر می کرد.

آرایه ادبی: دانه شُکری: اضافه تشبیهی(شُکر به دانه تشبیه شده که کاشته می شود)/ دانه شکر کاشتن : کنایه از اینکه خدارا شکر می کرد /دانه و کاشت : مراعات النظیر

نکته دستوری: لنگ لنگان:(قید حالت)آهسته آهسته/ قدمی و دانه :مفعول/ دانه شکر : ترکیب اضافی

کای فرازنده این چرخ بلند وی نوازنده دل های نژند

معنی: (با خود می گفت:) ای خدای آفریننده این آسمان با عظمت و ای کسی که به دل های غمگین مهربانی می کنی.

آرایه ادبی: واج آرایی« ن»

نکته دستوری: بیت چهار جمله است / منادا در جمله اول و سوم حذف شده است / فعل هستی دو بار در جمله دوم و چهارم حذف شده است / چرخ بلند و دل های نژند هر دو ترکیب وصفی

کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی با من

معنی: از سر تا پای خودم را که نگاه می کنم،می بینم که چه قدر به من عزت و سربلندی داده ای.

جیب:یقه،در این جا:بالا/دامن:پایین لباس،در این جا:پایین

آرایه ادبی: جیب،دامن:مراعات نظیر

نکته دستوری: بیت ۲ جمله است / دامن : متمم (تا بیانگر فاصله است)/چه عزیزی: گروه مفعولی

در دولت به رخم بگشادی تاج عزت به سرم بنهادی

معنی: مرا به سعادت و خوشبختی رساندی و سر فراز و ارجمند گرداندی

آرایه ادبی: در دولت گشودن : کنایه از خوشبختی وسعادت /تاجِ عزت:اضافه تشبیهی /تاج و سر : مراعات النظیر / تاج عزت بر سر کسی نهادن : کنایه از سربلند و بزرگ کردن

نکته دستوری: بیت ۲ جمله دارد / در دولت : گروه مفعولی(در هسته و دولت وابسته) / تاج عزت : گروه مفعولی (تاج ، هسته و عزت وابسته)

حد من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عنایت سفتن

معنی: من نمی توانم تورا ستایش کنم و شکر نعمت تورا به جا ی آورم . (سفتن : سوراخ کردن)

آرایه ادبی: گوهر شُکر : اضافه تشبیهی / سفتن گوهر شکر : کنایه از سپاسگزاری کردن از لطف خداوند /

نکته دستوری: بیت ۲ جمله است / گفتن ثنای تو : گروه نهادی : گفتن : هسته و ثنا و تو : وابسته / حد : مسند / سفتن گوهر شکر عطای تو : گروه نهادی / حد من نیست : در مصراع دوم حذف شده (سفتن گوهر شکر عطای تو حد من نیست)

نوجوانی به جوانی مغرور رخش پندار همی راند ز دور

معنی: از دور،نوجوانی که به جوانی خود مغرور بود،در حالی به جوانی خود مغرور بود ،به سوی خارکش آمد .

رخش:اسم اسب رستم،در این جا اسب/پندار:فکر و خیال

آرایه ادبی: رخش پندار:اضافه تشبیهی (خیال به اسب تشبیه شده)/ رخش پندار راندن : کنایه از مغرور و متکبر بودن

نکته دستوری: همی راند : میراند (ماضی ستمراری)

آمد آن شکرگزاریش به گوش گفت کای پیر خرف گشته خموش

معنی: صدای شکرگزاری خارکش به گوش جوان مغرور رسید،گفت:«ای پیرمرد کم عقل،ساکت شو.

آرایه ادبی: به گوش آمدن : کنایه از شنیدن / تکرار «ش و گ » ،واج آرایی

نکته دستوری: بیت چهار جمله است / پیر خرف گشته : ترکیب وصفی / شکرگزاریش:«ش» به پیرمرد بر می گردد و نقش مضاف الیه دارد /فعل باش بعد از خموش حذف شده است .

خار بر پشت، زنی زین سان کام دولتت چیست؟ عزیزت کدام؟

معنی: این طوری،خار بر پشت راه می روی و این حرفها را می گویی؟چگونه خودت را خوشبخت و سر افراز می دانی

نکته دستوری: بیت ۳ جمله دارد / از پایان جمله ۳ فعل است حذف شده است (عزیزیت کدام است ؟) دولتت : گروه نهادی / «ت» در دولتت و عزیزیت : مضاف الیه (دولت تو ، عزیزی تو) / چیست (چه است) مسند / عزیزیت : گروه نهادی / کدام : مسند /

عزت از خواری نشناخته ای عمر در خارکشی باخته ای

معنی: تو فرق بین سر بلندی و پستی را نمی دانی و همه عمر خودت را به خار کشی هدر داده ای

آرایه ادبی: عزت،خواری:تضاد/ عمر باختن : کنایه از هدر دادن عمر / تکرار «خ» واج آرایی

نکته دستوری: بیت ۲ جمله دارد/ عزت : مفعول/ عمر : مفعول

پیر گفتا که چه عزت زین به که نیم بر در تو بالین نه

معنی: پیرمرد پاسخ داد:«چه عزتی از این بالاتر که بر در خانه تو گدایی نمی کنم(به تو نیازمند نیستم)

آرایه ادبی: بالین نه : کنایه از محتاج و نیازمند

نکته دستوری: بیت ۳ جمله دارد / بعد از «به» فعل است حذف شده / «به» بهتر است : مسند / بالین نه : مسند (بر در تو بالین نه نیم (نیستنم))

کای فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم وآشامم

معنی: به تو نمی گویم که فلانی به من صبحانه یا شام بده و نانی بده که بخورم یا آبی بده تا بیاشامم.

آرایه های ادبی: چاشت ،شام ، نان ،آب : مراعات النظیر

نکته دستوری: بیت ٦ جمله دارد / فلان : منادا / چاشت و شام و نان و آب : مفعول / «م» در شامم : متمم (شام را به من)/ «کای» مخفف «که ای» فعل«بده» بعد از «شامم » حذف شده / فعل «بده» بعد از «نان و آبی» حذف شده است .

شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت

معنی: خدا را شکر می کنم که مرا پست نکرد و به انسان پستی مثل تو محتاج نکرد.

آرایه ادبی: خسی چون تو:تشبیه دارد(تشبیه جوان به خس و خاشاک به جهت بی ارزشی)

نکته دستوری: بیت از ۳ جمله تشکیل شده است / گویم : می گویم (مضارع اخباری)/ چو: مانند و مثل : حرف اضافه / تو : متمم

دادبااین‌همه‌افتادگی‌ام عزّ آزادی‌وآزادگی‌ام

معنی: (خداوند را سپاس می گویم که) با این همه ناتوانی عزت آزادی و بی نیازی داده است .

نکته دستوری: بیت ۱ جمله دارد / عز و آزادی و آزادگی : مفعول / «م» در افتادگی ام ، مضاف الیه (افتادگی من)/

«م» در آزادگی ام : متمم (عز آزادی و آزادگی (را) به من داد .

پاسخ خودارزیابی:

.۱از نظر پیر خارکش،عزّت و آزادگي چیست؟

قانع بودن و محتاج دیگران نبودن، خوارنشدن در مقابل دیگران.

.۲باتوجه به شعر شخصیت پیر و جوان را باهم مقایسه کنید.

جوان مغرور و پرادعا، پیر فروتن و بی ادعا. جوان زیاده خواه ولی پیر قانع. جوان ارزش و سعادت را در ثروت و قدرت می دید امّا پیر ارزش ها را در قانع بودن و بی نیازی نسبت به دیگران می دید.

.۳چگونه مي توان به عزّت آزادگي رسید؟

باید ابتدا فکر خود را تغییر داد. رندگی انسان ها در گرو فکر آنهاست یعنی ما آنچنان که فکر می کنیم زندگی می کنیم.

.٤شعر این درس به چه شیوه اي خوانده مي شود؟ به شیوه ی داستانی. به طوری که شنونده به شنیدن ادامه ی آن مشتاق باشد.

پاسخ فعالیت های نوشتاری:

۱_کلمه های تازه شعر را انتخاب کنیدو آنها را بنویسید ؟

۲ -تفاوت معنایی واژه مشخص شده را در گذشته و امروز بنویسی.

«خار بر پشت، زنی زین سان گام / دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟»

دولت در گذشته به معنی سعادت، نیک بختی و خوش اقبالی بود اما امروزه دولت به معنی مجموعه افرادی که کشور را اداره می کنند است.

۳ -در سه بیت پایانی شعر، «قافیه» ها را مشخص کنید.

کای فلان چاشت بده یا شامم نان و آبی که خورم و آشامم

شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت

داد با این همه افتادگی ام عز آزادی و آزادگی ام

۴ -با توجه به درس، دلیل آزادگی پیرمرد را بنویسید.

دلیل آزادگی او عدم توجه به دنیاو مادیات است. او به آنچه دارد راضی است و شکر گزار و همین که محتاج هیچ کس نیست خرسند است. دلیل آزادگی او نیز همین است که او به هیچ کس محتاج نیست.

لغات مهم :

۱. خارکش: کسی که خار را حمل می کند
۲. دلق: نوعی جامه پشمین که فقران میپوشند
۳. درشت : ضخیم
٤. لنگ لنگان " در حال لنگیدن ،آهسته
٥. فرازنده : بلند کننده ، برپا کننده
٦. چرخ : اینجا به معنی آسمان
۷. نوازنده : آن که نوازش و مهربانی کند
۸. نژند : اندوهگین ، غمناک ، سردو بیروح
۹. جیب: گریبان ، یقه
۱۰. نظر: نگاه کردن
۱۱. عزیزی: مورد محبت قرار گرفتن
۱۲. دولت: نیک بختی ، اقبال
۱۳. عزت : سر افرازی / ارجمند
۱٤. حد: اندازه
۱٥. ثنا: ستایش و شکر
۱٦. گوهر: مروارید . اصل
۱۷. عطا: بخشش/ انعام
۱۸. سفتن : سوراخ کردن
۱۹. رخش: در اینجا به معنی اسب
۲۰. پندار: گمان / فکرو وهم
۲۱. خرف: کم عقل / تباهی خرد بر اثر زیادی سن
۲۲. خواری: پستی
۲۳. به: بهتر
۲٤. بالین : بالش/ آنچه هنگام خواب زیر سر می نهند
۲٥. فلان : واژه ایست برای نامیدن شخص ناشناس / بهمان
۲٦. چاشت : صبحانه / یک قسمت از چهار قسمت روز که در آن چیزی می خورند
۲۷. خس: خاشاک / شخص پست و فرومایه
۲۸. افتادگی: تواضع /فروتنی (در اینجا به معنی ناتوانی است)
۲۹. عز: ارجمندی
۳۰. آزادگی : جوانمردی ،آزاد و آزاده بودن